تعبیر «و ان کان یوما من شهر رمضان» نص در در موضوعیت یقین در دخول شهر مبارک

«قال في يوم الشك: من صامه قضاه وإن كان كذلك، يعني من صامه أنه من شهر رمضان بغير رؤية قضاه، وإن كان يوما من شهر رمضان لان السنة جاءت في صيامه على أنه من شعبان، ومن خالفها كان عليه القضاء»؛ به تعبیر بسیاری از علماء چنانکه در مستمسک، در مستند و مصباح الهدی تعبیر صحیحه هشام دارند. این روایت محل جمع و محمل فتوای مشهور امامیه است. سؤالی که من میخواهم عرض کنم این است: واقعاً هم در ذهن من خیلی صاف نشده است. محضر شما بهعنوان درد دل طلبگی است. آن عبارت بزرگانی که در نهایة النهایه و کفایه و مرحوم آشیخ محمد حسین در نهایه، در منتقی الاصول داشتند، عبارتی بود که میگفتند وقتی شک میکنید دیگر جای استصحاب هم نیست. چرا؟ «لان وجوب الصوم منوط بالیقین». این هنوز برای من حل نشده است که این اجزاء با اینکه صاحب افتاء بودند و رساله داشتند، آیا این فرع سوم الشک را نیاوردهاند؟! یعنی نگفتهاند اگر کسی به نیت ماه شعبان گرفت، مجزی است؟! با این مبانایی که دارند، این اجزاء را به چه صورت درست میکردند؟ مرحوم شیخ انصاری میتوانند درستش کنند. چون شیخ قبول داشت که «من شهر رمضان» است. فقط میگفتند چون مأتیٌ‌به، به نیت نبوده باید تفضل قبول شود. در مطابقت مأتیٌ‌به با مأمورٌ‌به خدشه کرده بودند. گفتند مأتی به نفس مأمورٌ‌به نیست. نه اینکه بگویند چون سوم الشک است، ماه مبارک نیست.

> 40:00

شاگرد: مرحوم اصفهانی هم که نمیگویند ماه مبارک نیست.

استاد: من از عبارتشان به این صورت فهمیدم. ببینید این جور میفرمایند: «و مقتضی هذه الاناطة»؛ حالا که وجوب منوط به یقین به دخول شهر است، «عدم وجوب الصوم في يوم الشك، لاالتعبد بعدم دخول شهر رمضان، للیقین بعدمه سابقا»؛ جای تعبد و استصحاب نیست. عدم وجوب محکم است. این عبارت به چه معنا است؟

شاگرد: همانطور که بر مسافر روزه واجب نیست، با اینکه ماه رمضان است اما بر او واجب نیست. در اینجا هم اینچنین است.

استاد: ماه هست و وجوبش نیست. یعنی نمی‌شود بر بقاء شهر سابق تعبد کرد؟

شاگرد: چون اثر ندارد.

استاد: چرا اثر ندارد.

شاگرد: چون در موضوعش یقین خوابیده است.

استاد: خلاصه الآن ماه مبارک هست یا نیست؟ وجوبش هست یا نیست؟

شاگرد: وجوبش نیست.

استاد: خب اگر وجوبش نیست شما چطور می‌خواهید در رساله خود بگویید مجزی است؟

شاگرد: ملاک فعلی داشته است.

شاگرد۲: به هر مبنایی باشد. مثلاً کسی که قدرت ندارد اگر روزه بگیرد باطل است و باید دوباره بگیرد، اما برخی می‌گویند که باطل نیست.

استاد: پس «نعم ظاهره» را که بعداً می‌گویند چطور معنا می‌کنید؟ اگر اینطور باشد که دیگر «نعم» نمی‌خواست. «نعم ظاهره قوله الیقین لایدخله الشک فرض الیقین و الشک»، یعنی شکی هم داریم. بعد در «الا ان یقال» می‌خواهند بگویند که شکی ندارید. این با فرمایش شما چطور جور در می‌آید؟ اول می‌گویند «نعم ظاهره قوله فرض الیقین و الشک و انه لایزاحم الیقین بالشک و لیس هو الا الیقین بعدم دخول شهر رمضان، الا ان یقال الیقین حیث انه انیط وجوب الصوم فلا یعطی حکمه للشک»؛ یعنی چون این حکم برای یقین است، اصلاً ممکن نیست برای شک باشد. الیقین لایدخله الشک، یعنی حکم یقین که برای شک نیست. خب حالا شک دارید یا ندارید؟ «فالمراد ان الیقین هو المدار و انه لایزاحمه فیما له من الحکم غیره من الظن و الشک». خب حالا وجوب واقعی هست یا نیست؟ حکمش را به او نمی‌دهید، مجزی هست یا نیست؟ عبارتی که من می‌خواهم عرض کنم این است: در ذهن شریف شما و روی اتکازاتی که در رساله فتوا می‌دهند؛ فتوای مشهور است، در همه رساله‌ها است. کسی که یوم الشک را به نیت شعبان گرفت، کسی مشکلی نداشت که أجزأ عن شهر رمضان. خب یقین حکمش به شک نمی‌آید و وجوب صوم منوط به یقین است؛ اصلاً وجوبی نبوده، خب وقتی وجوبی نبوده دیگر اجزاء معنایی ندارد. باید بگویند اصلاً بر او واجب نبوده است.

شاگرد: ملاکش فعلی بوده.

استاد: چطور ملاک فعلی هست اما وجوب نیست؟! عین ملاک با عدم وجوب فعلی تهافت دارد. شما می‌گویید ملاک هست، خب در ملاک یقین بود یا نبود؟ اگر یقین جزء آن بود، این آقا که یقینی نداشت. اگر یقین جزء ملاک نبود، پس ملاک نیست و وجوب هم نیست.

شاگرد: وجوب بر این آقایی نیست که نمی‌داند. والا وجوب که در ماه مبارک هست.

استاد: وجوب منوط به یقین است، وقتی هم که یقین نبود، وجوب نیست.

شاگرد: مثل کسی که مسافر است، بر او وجوب نیست. وجوب صوم در ماه مبارک که ثابت است، پس بدلیت جا دارد. بر من واجب نیست اما در ماه مبارک که وجوبی هست.

استاد: اگر وجوبی هست پس چرا ما نمی‌توانیم احتیاطا روزه بگیریم؟

شاگرد: چون شارع صوم با یقین را می‌خواهد. کسی که یقین ندارد قدرت ندارد.

استاد: خب صوم از او فوت شده ای نه؟

شاگرد: به معنایی که در مسافر می‌گویی از او فوت شده است.

استاد: یعنی وقتی مسافر است، او قاطع است که ماه مبارک است و مانع دارد، در اینجا هم این شخص چون شک دارد، مانند سفر است. بعدش که تبدیل به یقین می‌شود وجوب بوده ای نبوده؟ وجوب کلی بوده، وجوب بر او نبوده. آقایان هم که می‌فرمایند مجزی از او است، به چه بیانی مجزی است؟

شاگرد: تفضل است.

استاد: ببینید مثالی که ایشان می‌زنند را مع الفارقش را عرض می‌کنم. وقتی می‌گویی بر مسافر وجوب نیست، به این دلیل است که سفر مانع او است. برای کسی که شک و ظن دارد و یقین ندارد، می‌گویی مانع دارد؟ از چه چیزی مانع دارد؟

شاگرد: یعنی صوم او صومی نیست که شارع خواسته.

استاد: خب وقتی صومی که شارع خواسته نیست، اگر مسافر روزه گرفت، به‌هیچوجه می‌توانید بگویید روزه تو مجزی از ماه مبارک است؟ نه، چون باطل است. خب همینجا به مانحن فیه بیایید. وقتی شک دارد، روزه او باطل است، نه اینکه بگویید وقتی بعد فهمیدیم ماه مبارک بوده روزه تو صحیح است. شما می‌گویی مرض، سفر و حیض روزه‌اش باطل است، شما می‌گویی وجوب کلی هست، بعد هم باید قضا کنی، اما فعلاً از صحت مانع داری. آنها می‌گویند از صحت مانعی نداری. بعد هم که فهمیدی ماه مبارک بوده، مجزی است. این است که من عرض می‌کنم چطور درست می‌کنند.

شاگرد: بعداً که مجزی نمی‌شود. همین الآن درواقع مجزی هست. بعداً اجزاء نفسانی رخ می‌دهد. الآن اجزاء به تفضل هست. یعنی اگر همین الآن بیاید شارع می‌گوید من این را از تو تفضلا قبول می‌کنم. گرچه خودت نمی‌دانی. بعد اشکال می‌کنند به اینکه این واجب نبود، می‌گوید که من تفضلا قبول کرده‌ام.

شاگرد: روزه ندبی شعبانش که مانعی نداشته. آن را گرفته. طبق بیان مرحوم شیخ یک روزه صحیح داشته است. لذا این را تفضلا جای آن قبول می‌کنند.

استاد: اگر دو تا بود درست است. یادتان هست گفتم امام که جواب زهری را می‌دادند به همین ناظر می‌شد. او روزه ندبی و تطوعی گرفته است، بعداً تفضلا از او قبول می‌کنند. خب آن روزه واجب بوده ای نبوده؟ وجوب منوط به آن است، به چه معنا است؟ عباراتی که در منتقی داشتند واضحتر بود. همچنین در نهایهٔ النهایه. آنها عبارات صریحی بود؛ قطع داریم که ماه مبارک نیست. اینها را چه کار می‌کنید؟ نهایهٔ النهایه هم همینطور بود. اما عبارت مرحوم اصفهانی... .

> 49:56

حالا عرض من در همین‌هایی که هست را ببینید. عبارت منتقی، نهایهٔ النهایه و کسانی که تصریح می‌کنند را ببینیم. آنها در رساله خود چه چیزی را می‌نویسند؟ با این مبانی اصولی خود،

چطور جمع می‌کنند؟ به نظر شما در آن جا چه می‌گویند؟ واقعاً در ذهن من سؤال است. صاحب رساله هستند. فتوای معروف امامیه این است که نیت ماه مبارک را نکن، بلکه نیت آخر شعبان بکن، بعد اگر معلوم شد مجزی است. در رساله‌هایشان علی القاعده هست. خب با این مبانی اصولی که می‌گویند چون شک داریم، قاطع هستیم که ماه مبارک نبوده است. اجزاء به چه معنا می‌شود؟ نمی‌دانم. باید ببینیم کتاب الصوم و تقریر درس خارجشان هست یا نه. یا شاگردانی که به مبانی و فقه ایشان آشنا باشند چه می‌گویند. جمع به اینکه قطع داریم ماه مبارک نیست، با اجزاء آن جور در نمی‌آید. عبارت نهایة النهایه بود که یقطع بعدم دخول ماه مبارک، با اینکه در رساله بگوییم مجزی است، چطور جمع می‌شود؟ اگر در ذهن شما چیزی هست بفرمایید.

من که چند بار فرمایش مرحوم اصفهانی را خواندم و عدم وجوب صومی که ایشان می‌گویند، همان حرف صاحب کفایه استادشان است. یعنی حرف‌ها در یک کوچه است. حال بتوانیم خصوص فرمایش ایشان را بگوییم... .

شاگرد: صاحب کفایه نمی‌گویند ماه مبارک داخل نشده است.

استاد: حاشیه رسائل ایشان را نگاه کرده‌ام. نمی‌دانم تقویت همین بود یا نه؟ ولی در هر صورت از حیث ارتکازی خیلی چیز عجیبی به نظر می‌آید.

آن چیزی که در آخر کار می‌خواستم عرض کنم این است: ببینید نسبت به آن فرمایش «یقطع بعدم دخول» که داشتند؛ همین روایت هشام در اینجا، طبق توضیحی که مرحوم شیخ انصاری دادند یا به فرمایش آقا در نهایه هم محملش را همینطور قرار بدهیم، جای خودش. اما کسانی که فرمودند «یقطع بعدم دخول» و اصلاً جای استصحاب نیست، این صحیحه هشام، نص در آن نیست؟ این سؤال من است. در صحیحه هشام امام علیه‌السلام فرمودند «یعنی من صامه علی انه من شهر رمضان بغیر رویه قضاه و ان کان یومها من شهر رمضان»، یعنی دقیقاً می‌گویند با اینکه مشکوک بود، کان من شهر رمضان. ولو حضرت می‌گویند قضا کند. عرض من این است. یعنی تأکید بر این است که حتماً می‌گویند قضا بکند، اما حتماً هم می‌گویم کان من شهر رمضان. مشکلش در چه بود؟ در این بود که نیت کرده «علی انه من شهر رمضان». پس این نص است در اینکه شهر مبارک با شک داخل می‌شود. نه اینکه چون شک داشتید، قاطع هستیم که ماه مبارک داخل نشده و استصحاب هیچ. اگر قبول ندارید بفرمایید. به گمان من دلالتش خیلی روشن است در اینکه «یقطع» جا نداشته باشد.

سند این حدیث را هر کدام فرصت کردید، بررسی کنید تا ببینیم این بین احمد بن محمد و عبد الله بن احمد چیزی افتاده یا اینکه احمد بن محمد زهری و ابن عقده نباشد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 14:52:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 14:54:24 توسط ... .